■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۲۶ ■ دوشنبه ■ ۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ تمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
www.iran-newspaper.com

اذان ظهر ۱۳/۰۳ | اذان مغرب ۲۰/۰۱ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۸ | اذان صبح فردا ۴/۵۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۳

سخن روز

امام علی علیه‌السلام: بنده به سبب بی‌صبری، خودش را از روزی حلال محروم می‌کند و بیشتر از روزی مقدر هم نصیبش نمی‌شود.
شرح نهج البلاغه(لبن ابی الحدید) ج ۳، ص ۱۶۰

مهران مهرنیا: بعد از کرونا قطعه‌ای ساختم

کرونا انگیزه‌ام برای زندگی را دگرگون کرد. وقتی از بستر بیماری بلند شدم و به جریان اصلی زندگی بازگشتم، بلافاصله قطعه‌ای را تولید کردم. این شرایط برای من در داخل منزل موجب شد که بار دیگر رجعتی به تمامی ملودی‌ها و آثاری داشته باشم که در حافظه رایانه شخصی‌ام در منزل وجود داشت اما از نگاهم مغفول مانده بود.

آهنگسازی که به کرونا مبتلا شده بود از زندگی پس از این بیماری گفت.

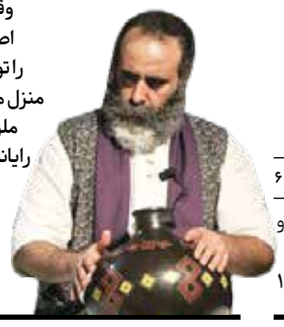

کیوان ساکت: تماشاگران بیشتری داریم

هرچند که مردم اینجا نیستند ولی موج گرم‌شان را احساس خواهیم کرد. ما نمی‌توانیم مردم را ببینیم ولی به جای اینکه تنها ۱۰۰۰ نفر اجرای ما را تماشا کنند، ممکن است تعداد خیلی بیشتری به تماشای این کنسرت بنشینند؛ افرادی که به‌هر دلیل شاید امکان شرکت در این کنسرت‌ها را نداشته باشند.

بخشی از صحبت‌های ساکت در کنسرت آنلاینش

از جایی نقطه‌ای بر این کره خاکی گلوله‌ای از دهانه لوله یک سلاح شلیک می‌شود: نه! از جایی نقطه‌ای در این کره زمین گلوله‌ای سربی سنگین و مخرب از دهانه فراخ لوله بلند یک سلاح سنگین شلیک می‌شود. دقیق‌تر از این نمی‌شود گفت...

طریق بسمل شدن
محمود دولت آبادی
نشر چشمه

نـــگاره

فیروزه مظفری

شطرنج با کرونا

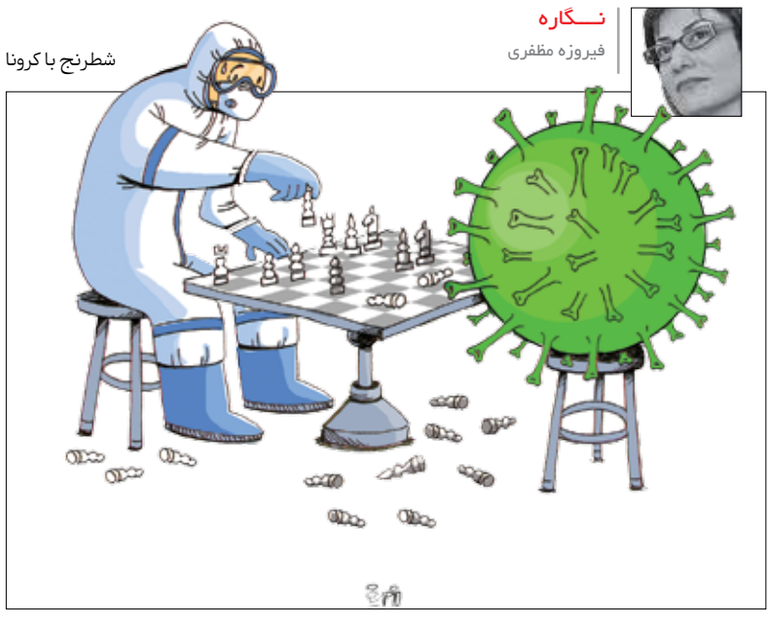

بهزاد شیشه‌گران نمایشگاه نقاشی «کرونا» را به فضای مجازی آورد

اتفاق روز

در روزهای قرنطینه هنرمندان زیادی آثارشان را به‌صورت رایگان در فضای مجازی منتشر کردند تا سهمی در پرکردن اوقات فراغت مردم داشته باشند. بهزاد شیشه‌گران از هنرمندان پیشکسوت نقاشی نیز این روزها یک نمایشگاه مجازی با نام «کرونا» برگزار کرده است و علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی می‌توانند آثار این مجموعه را از امروز یکم اردیبهشت در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام، فیس‌بوک و تلگرام با آدرس behzadshishegaran مشاهده کنند.

بهزاد شیشه‌گران
نقاش، طراح، گرافیست

در قرنطینه در شرایط نامطمئن و بی‌ثبات و بحرانی در این روزهای کرونایی این سؤال را برای خود یافته‌ام که زندگی هنری من بی‌حرفه‌ام به چه کار می‌آید؟ هنر با دل آدمی با درون آدم‌ها پیوند دارد و من افتخارم در این است که نیم قرن با این دل پیوند دارم. امروز همه در انزوا با محدودیت‌ها، تنگناها، دشواری‌های بسیار زندگی می‌کنیم. همه درد می‌کشیم و همه در دل یکدیگر غریبیم. هنری که نسبت به زندگی و پیرامون خود و حافظه مشترک و همگانی مردم روزگار خود بی‌اعتنا باشد بی‌شک خنثی است. لذا از این تنگناها استفاده کردم و در قرنطینه و انزوای خود خواسته‌ام به‌عنوان یک فرصت مهم نمایشگاه نقاشی را تدارک دیده‌ام که متأثر از فضایی است که در آن زندگی می‌کنیم یعنی (کرونا) و حال در صدد این نمایشگاه را در شبکه‌های اجتماعی یا هر رسانه دیگر که چند سالی است در آنها فعالم و آثارم را به نمایش می‌گذارم با مخاطبین خود به اشتراک بگذارم تا شاید ادای دینی باشد به کادر درمانی فداکار کشورمان و هموطنانی که متأسفانه در بین ما نیستند.

حال چرا نمایشگاه آنلاین؟ با ظهور شبکه‌های عظیم اجتماعی از چند سال پیش مجالی یافتم تا از این پدیده شگفت‌انگیز برای عرضه آثارم با آزادی بیشتر در فضای تجسمی، بدون محدودیت‌های حاکم بر دیگر رسانه‌ها، براحتی و با سرعت در هر موقعیتی از شبانه روز با مخاطبین وسیعتری آثارم را به اشتراک بگذارم. فضای مجازی به من کمک می‌کند تا در لحظه نسبت به مسائل پیرامونم واکنش نشان دهم. تا این حقیقت ناامیدکننده و ناهنجار ترافیک تهران را تا حدود زیادی برای مخاطبین خود تسهیل کنم. تا بدون تعطیلی، بدون سرما و گرما، فراتر از مرزهای جغرافیایی از این دشواری عظیم عبور کنم و تصویر یا مطلب مورد نظر خود را در یک ثانیه با صدها و حتی هزاران نفر در سراسر جهان به اشتراک بگذارم. فضای مجازی به من کمک می‌کند علاوه بر بهره‌مند شدن از گالری‌های موجود در شهر تهران این امکان را داشته باشم تا با مخاطبین خارج از ایران هم در ارتباط باشم. به‌جای اینکه شما با دشواری از نمایشگاه من دیدن کنید، من براحتی در خلوت زندگی شما حضور می‌یابم وهمچنین امکان نظرسنجی و ارزیابی بسیار آسان‌تر و به‌روزتری است که از آخرین خواسته‌های مخاطبان خود مطلع می‌شوید.

در این فضا هم با آدم‌های خاص و درجه یک و نظرات سازنده و خوبشان روبه‌رو می‌شوم و هم آدم‌های عام با اظهارنظرهای ناشیانه. گالری مجازی در کاهش هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی به من کمک می‌کند، همچنین در کاهش مصرف منابع سوختی برای وسایل نقلیه، کاهش آلودگی هوا، کاهش استهلاک وسایل نقلیه، کاهش رفت و آمدهای غیرضروری و به‌دنبال آن آرامش روانی بیشتر برای افراد جامعه به طور چشمگیری کمک می‌کند. فضای مجازی هزینه‌های هنگفت چاپ و نشر را نیز بشدت کاهش داده و لذا در استفاده از منابع زیست محیطی لازم برای تولید کاغذ نیز صرفه‌جویی‌های بسیاری به‌عمل می‌آورد. من به‌طور اجمالی اشاره می‌کنم به۹ نمایشگاه آنلاینی که ظرف چند سال گذشته به نمایش درآمدند، یک مجموعه طراحی پوستر با مضامین فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده‌اند، یک مجموعه از طراحی پرتره‌های شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی ایران و جهان و چهار مجموعه از نقاشی‌هایم با عناوین «نقاشی‌های انتزاعی»، «نقاشی‌های سپید»، «آوار (زلزله کرمانشاه)» و «نقاشی‌های سیاه، سفید، خاکستری» که این مجموعه آثار مطلقاً در هیچ جایی دیده نشده بودند و سه نمایشگاه دیگر که منتخبی از آثار دیده شده و دیده نشده بوده‌اند و اکنون هم با نمایشگاه کرونا به خانه‌های مردم می‌آیم.

اول اردیبهشت ماه، روز سعدی

درس‌هایی که باید از شیخ مصلح‌الدین بگیریم

امروز

مهدی سالاری‌نسب
پژوهشگر ادبیات و فلسفه

من هم مثل بسیاری از کسانی که با سعدی انس و الفتی دارند سعدی را از طریق کتاب‌های درسی دوران مدرسه شناختم که پر بودند از حکایت‌های بوستان و گلستان. در خانه ما کتاب کلیات سعدی وجود داشت و مرتب خوانده می‌شد. یکی از نکته‌هایی که به اختصار باید درباره سعدی به آن پرداخت این است که تا همین سی، چهل سال پیش سعدی به‌عنوان مطرح‌ترین ادیب، نویسنده و شاعر ما بود و به نوعی باید گفت او اولین مدرس و معلم زبان فارسی همه فارسی زبان‌ها بوده است. نکته اینجاست که فردوسی، زبان فارسی را زنده کرد و سعدی آن را تثبیت کرد. محمدعلی فروغی به نکته مهمی در تصحیح گلستان سعدی‌اش اشاره می‌کند و می‌نویسد (نقل به مضمون) بعضی‌ها می‌گویند چگونه ممکن است که سعدی آن‌روزگار به زبان امروز ما سخن گفته باشد. فروغی قضیه را برعکس می‌داند و معتقد است این زبانی که ما با آن صحبت می‌کنیم، همان زبانی است که سعدی برایمان ثبت و ضبط کرد و ما به زبانی حرف می‌زنیم که سعدی در آن روزگار سخن می‌گفته و آن را به ما رسانده است. علاوه بر اینها سعدی را باید در کنار جایگاه معلمی زبان فارسی و تعالیم اخلاقی‌اش یک متفکر اجتماعی سیاسی هم دانست. در همه این حوزه‌ها از سعدی بسیار آموخته‌ایم. به قدری که بیشترین ضرب‌المثل‌های رایج در فرهنگ‌مان را از سعدی گرفته‌ایم. به نوعی همه ما ایرانی‌ها خلق و خوی سعدی را داریم. از مردم عامی و عادی بگیریم تا حکام و... هر کس به شیوه و راه و زندگی خود از او بسیار آموخته‌اند. چه در ادب و ادبیاتش، چه در فن و تعالیم اجتماعی و سیاسی‌اش و... و به‌همین دلیل هم برای شناخت فرهنگ ایرانی، لازم است حتماً سعدی را به دقت بشناسیم. با این حال درباره سعدی کم نوشته شده و یکی از دلایل این مسأله هم همان چیزی است که همه آن را می‌دانند و نام سادگی را بر آن گذاشته‌اند. سادگی نیاز به شرح و تفسیر و... ندارد. سعدی (برخلاف کسی مثل خاقانی که نه علاقه داشت و نه رسالتی برای خود قائل بود که کسی حرفش را بفهمد یا نه و...) ترجیح می‌داد مثل نامش مصلح‌الدین، مصلح باشد و به جای آنکه به گفته خود مثل عرفا به خانقاه برود و گلیم خود از آب بیرون بکشد و روال و طریقت شخصی خود را پیش ببرد، به مدرسه برود و دست غریقی را بگیرد. همین مسأله باعث می‌شود سعدی چه در میان عوام و چه در میان خواص حرف و سخنش جاری و ساری و رایج شود وکمتر کسی را می‌توانیم ببینیم که در زندگی‌اش چیزی از سعدی ندیده و نخوانده و به‌کار نبسته باشد. نقل احمد افلاکی در مناقب‌العارفین است که می‌گوید وقتی مولانا مرحوم می‌شود قاضی سراج‌الدین قطعه شعری از سعدی می‌خواند و از شدت ناراحتی از هوش می‌رود. سعدی سه سال از مولانا کوچک‌تر است و این قول نشان می‌دهد که هر آنچه سعدی می‌نوشته با چه سرعتی در عالم پخش و منتشر می‌شده است. در دوره‌های مختلف بسیاری سعی کردند از نثر و نظم سعدی تقلید کنند اما در نهایت این تلاش‌ها تقریباً به‌جایی نرسید و هیچ کس نتوانست سعدی شود. از طرفی، سعدی آن‌چنان ساده می‌نویسد که به شارحان و ادبا، مجال عرض اندام و خودنمایی نمی‌دهد اما همین بحث زبان، موضوعی است که باید به آن پرداخته شود و متأسفانه جز در موارد معدود، مقاله و پژوهشی که در این زمینه انجام شود به چشم نمی‌آید. لازم به‌نظر می‌رسد که به‌صورت گسترده و متقن، پژوهش‌هایی صورت بگیرد و در آنها به‌کاری که سعدی در نحو زبان انجام می‌دهد توجه و دقت شود. به‌عنوان مثال چیزی مثل این مورد که «قومی متحدثان حسنت/ الا متحیران خاموش.» این جمله فعل ندارد و احتیاجی هم به فعل ندارد و سعدی پا از پرچین زبان فراتر می‌گذارد و از این قبیل نحوشکنی‌ها بسیار دارد. همین است عبارت «سهل ممتنع» برای شعر و نثر بسیاری به کار رفته اما مخصوص به سعدی شده، همان‌طور که تعبیر مولانا مخصوص به مولانا شده است.

چند واقعیت درباره سعدی و بزرگداشتش به روایت بهروز غریب‌پور

پسندی که شهری بسوزد به نار

ادامه از صفحه اول

من به این مسأله شک داشتم چون عمارت سازمان ملل متحد را دیده و چنین ابیاتی ندیده بودم. در اوج نوشتن اپرای سعدی، به مناسبت اجرای اپرای عروسکی حافظ در خلوتی که با استاد کمالی سروستانی رئیس بنیاد سعدی شناسی داشتم این موضوع را مطرح کردم و او هم تأیید کرد که این موضوع یک کلاغ چهل کلاغ شده و مطلقاً حقیقت ندارد و بعد توضیح داد؛ یک‌بار هیأتی از ایران یک قالیچه به مدیر کل سازمان ملل متحد هدیه داده که بخشی از این ابیات در آن بافته شده بود و در مطبوعات چنین وانمود کردند که مسئولین این دم و دستگاه، به صرافت افتاده‌اند که اندیشه سعدی بزرگ را آویزه گوش ملت‌ها و دولت‌ها کنند و... دیگر برایم مسجل شد که این امر حقیقت ندارد و نبایستی در متن اپرای سعدی که آن را کارگردانی کردم چنین داستان بی‌اساسی وارد شود. از آن شب به‌بعد سرنوشت اپرا بیشتر و بیش از پیش معطوف به افکار سعدی شد تا دوستان سعدی بزرگ بدانند که او فقط خداوندگار غزل نیست و سراینده این چنین غزل‌هایی، به همه یا بخش عمده‌ای از روابط میان انسان‌ها نظر داشته و عشق تنها موضوع مورد علاقه او نیست: «هزار جهد بکردم که سر عشق بپوشم / نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم». ابیات فراوان و نغزی از این دست، به وفور توسط خواننده‌ها خوانده شده و گوش مردم پر است از این غزل‌های زیبا اما آنچه مغفول مانده، درس‌های حکیمانه و تا ابد ماندگار او در آداب زندگی فردی و اجتماعی‌ست. حضرت سعدی در بوستان و در ده باب این آداب را چنین دسته بندی کرده است: باب اول در عدل و تدبیر و رأی؛ باب دوم در احسان؛ باب سوم در عشق و مستی و شور؛ باب چهارم در تواضع؛ باب پنجم در رضا؛ باب ششم در قناعت؛ باب هفتم در عالم تربیت؛ باب هشتم در شکر بر عافیت؛ باب نهم در توبه و راه صواب؛ باب دهم در مناجات ...و کوشش کردم جنبه‌های عرفانی ذهنیت سعدی را آشکار و حتی در نوعی تفتیش عقاید و در محکمه‌ای که او را متهم به ریاکاری و چاپل ، از دلایل سرودن مرثیه مشهورش در رثای المستعصم بالله بگوید. به باور من مرثیه او و پس از مرگ خلیفه در راستای همان جهان‌بینی اوست که در ابیات: بنی آدم اعضای یکدیگرند .....است و در دفاع از خود دیالوگی دارد که تکان دهنده است: «پسندی که شهری بسوزد به نار/ اگر چه سرایت بود بر کنار؟» به همین دلیل در اپرای سعدی وجوهی ناشناخته از سعدی را در متن اپرا و سپس در اجرا به کار گرفتم و با الهام ابیاتی از دست: «چو ماکیان به در خانه چند بینی جور/ چرا سفر نکنی چون کبوتر طیار» و «زمین لگد خورد از گاو و خر به غلت آن / که ساکنست نه مانند آسمان دوار / مثال اسب الاغند مردم سفری/ نه چشم بسته و سرگشته همچو گاو عصار» و ساختار متن را به شکل سفری در خواب سرخ و حکایت بر دار کردن منصور حلاج، جدال با حاکمی خودپسند و شاعران چاپلوس و ترک یار و دیار، سفر به سومنات و بتخانه، سفر به مصر و دیدن عاقبت فراعنه و...روایت کردم تا بتوانم میل حضرت سعدی به کشف حقایق و کشف ماهیت انسان را به نمایش بگذارم و سعدی را آن گونه که هست، نه آن گونه که دشمنانش ترسیم کرده‌اند به نسل جوان معرفی کنم. امسال قصدم این بود که با اجرای مجدد اپرای سعدی بر آستان این خاک که فردوسی و عطار و حافظ و سعدی و مولوی و نظامی و ناصرخسرو و خاقانی و.... دارد بوسه‌ای از سر ستایش بزنم که کرونا آمد و جهان را ولو برای مدتی به اعضای یکدیگر بدل کرد و روح سعدی بر آنانی گریست که پسندیدند شهری بسوزد به نار. به این امید که روزی آن داستان خیالی محقق شود و اگر تشکیلات رسمی تن به چنین قدرشناسی نمی‌دهد مردمان اندیشمند سعدی دردمند او را به رسمیت شناخته در جهت اندیشه‌های ناب او گام بردارند.

قطعه «همدم» با صدای سالار عقیلی، پرویز پرستویی و فاضل جمشیدی منتشر شد

نواهایی برای خلوت خانه‌نشینی

حرف روز

در راستای پویش مشارکت هنرمندان، قطعه «همدم» با همکاری مشترک سالار عقیلی، پرویز پرستویی و فاضل جمشیدی منتشر شد. اشعار این قطعه سروده علیرضا بهرامی بوده و ملودی اثر فاضل جمشیدی با تنظیم و میکس و مستر محسن غلامی است

فاضل جمشیدی
خواننده و مدرس موسیقی

در یکی- دو ماه گذشته که ویروس کرونا شیوع پیدا کرده و مردم عزیزمان برای حفظ جان خود و سلامت جامعه مکلف به در خانه ماندن شده‌اند، هنرمندان هم در قبال این همدلی و همیاری مردم، بر خود دیدند تا در این روزهای قرنطینه برنامه‌های هنری، آموزنده و مفرحی در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر چون موسیقی، سینمایی، تئاتر، تجسمی، ادبیات و...داشته باشند. اثر «همدم» هم به‌دلیل وجود ضرورت درجامعه تهیه و در قالب پویش «مشاهنر» منتشر شد. ساخت این اثر در شرایط بسیار دشوار و قرنطینه‌ای و کرونایی در چند نقطه و با کم‌ترین امکانات ضبط، تدوین و نهایی شده است و بزودی کلیپ تصویری این اثرصوتی با نظارت آقای پرستویی و همکاری آقای حبیب رضایی، با مروری بر تلاش‌ها و زحمات شبانه روزی کادر پزشکی، درمانی، پرستاری و خدمات بخش‌های مختلف درمانی کشور تهیه و به شما مردم عزیز سرزمین‌مان تقدیم می‌گردد.

در مورد انتخاب خواننده باید بگویم پیش از پیشنهاد و گفت‌وگو با آقای سالار عقیلی با سه خواننده دیگر صحبت شده بود که یا دردسترس نبودند یا اینکه ترجیح می‌دادند در موقعیت پیش آمده و رعایت فاصله اجتماعی در استودیو حاضر نشوند همچنین با آهنگسازانی هم صحبت شد که به هر صورت این همکاری صورت نگرفت. البته آقای پرستویی فقط تصمیم داشتند دکلمه کار را انجام بدهند اما با اصرار بنده علاوه بر دکلمه در بخشی‌هایی هم همخوانی داشته‌اند. آقای پرستویی با فضای موسیقی آشنا هستند و اخیراً هم در فیلم «مطرب» قطعاتی را اجرا کرده‌اند. البته آقای سالار عقیلی به‌خاطر رعایت شرایط بهداشتی ضبط کار را در منزل انجام دادند. هنرمندان از بطن همین جامعه برخاسته‌اند و همیشه در کنار مردم بوده و تلاش کرده‌اند در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها همدل و همسو با جامعه حرکت کنند اما انگیزه هنرمندان هم باید در نظر گرفته شود و نیاز به حمایت و کمک دارند. در ابتدا مطرح شدن این طرح هدف من تولید گسترده هنر در خانه همه هنرمندان بود. اما تا امروز آن‌طور که انتظار داشتیم به غیر از قول مؤسسه پیشکسوتان هنر و اقدامات خبرگزاری ایسنا به‌عنوان اسپانسر رسانه‌ای حمایتی نشده است. فراموش نکنیم گیرنده اصلی مردم هستند که باید دل به کار هنرمند بدهند و بدانند هنرمندی که موسیقی یا فیلم تولید می‌کند، یا مجسمه‌ای می‌سازد و شعری می‌سراید نباید زحمتش نادیده گرفته شود. هنرمندانی که در این مدت زمان با این کمپین مشارکت داشتند حتی یک ریال هم دریافت نکرده‌اند.

عکس نوشت

انیمیشن «کچل کفترباز» از ساعت ۹ صبح امروز روی پرتال اینترنتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد. این انیمیشن هشت دقیقه‌ای که توسط صادق جوادی کارگردانی شده تولید سال ۱۳۹۰ امور سینمایی کانون بوده و تندیس طلایی بهترین فیلم با موضوع کودک و نوجوان هشتمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران را به‌دست آورده است. «کچل کفترباز» تنها نامزد ایرانی جایزه پاندای طلایی دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های تلویزیونی سیچوان چین بود و می‌توانید تا ۹ صبح ۲ اردیبهشت آن را در omid.kpf.ir به‌صورت رایگان ببینید.

شهروند مجازی
یکانه خدامی

هشتگ #سیم_کارت

با اینکه وزیر ارتباطات تأکید کرده بود که برای دریافت سیم‌کارت رایگان ویژه وام یک میلیون تومانی نباید صفی مقابل دفاتر اپراتورها تشکیل شود باز هم شاهد این اتفاق بودیم. مسأله‌ای که انتقادهای زیادی همراه داشت و خیلی‌ها با انتشار عکس‌هایی از این صف‌ها درباره‌اش نوشتند: «امروز با کلی دردسر تونستم سیم‌کارت به‌نام خودم بگیرم. از تغییر مالکیت سیم‌کارتی که دستمه تا صدور مجدد یه سیم‌کارت قدیمی که به نامم بوده و فراموشش کرده بودم رسیدم به صدور سیم‌کارت جدید. با کلی قطعی سیستم و رفت‌وآمد. بعضیا هم پیگیری این وام و پیگیری‌کننده‌گانش رو با دیده تحقیر می‌نگرند که خدمتشون عرض کنم عزیزان ببخشید که با وجود اقتصاد قوی و فضای مناسب کسب و کار من و امثال من بر اثر بی‌عرضگی و تنبلی درآمد ماهانه ۲۰ میلیونی و خونه و ویلا نداریم و باید دنبال اینا باشیم»، «این که جمعیت کثیری از افراد ایستاده در صف سیم‌کارت افراد سالمند هستن (اکثراً بدون دستکش و ماسک) خیلی نگران‌کننده است. باید منتظر موج دوم کرونا با مرگ و میر بالا در دوهفته آینده باشیم»، «دیروز عصر برا عمه‌جانم سیم‌کارت گرفتم. اما هنوز فعال نشده!فروشنده ایرانسل هنوز داره سیم‌کارت می‌فروشه بدون اینکه فرصت فعال کردن داشته باشه!. عده زیادی به همین دلیل وام یک میلیونی گیرشون نمیاد درحالیکه با خرید سیم‌کارت مقداری به دولت سود میرسونن (مشکل سود وام)»، «مگه آذری جهرمی دیروز اینقدر باید باید نکرد پس چی شد؟ امروز هم که مثل دیروز صف بستن جلوی دفاتر پیشخوان برای سیم‌کارت»، «سیم‌کارت رایگان نمی‌دیم، بورس هم ثبت‌نام نداریم کارمندش نیومده، هرکی مدارک داره، بیاد تو، پنج تا پنج تا بیایین تو... بقیه برن... اگه نرید، زنگ می‌زنم نیروی انتظامی بیاد همه‌تون رو ببره....جواب مسئول دفتر پیشخوان دولت؛ امیریه تهران؛ بعد از مهدیه»، «به نظرم موج جدید کرونایی‌ها چند روز دیگه اعلام میشه فقط به خاطر دریافت سیم‌کارت بنام برای وام یک میلیونی.»

شبکه شاد یا غمگین؟

ماجرا

شبکه آموزش مجازی دانش‌آموزان که به «شاد» معروف است تقریباً هرروز خبرساز است. کاربران زیادی به این مسأله اشاره می‌کنند که بسیاری از خانواده‌های کم‌بضاعت و اهالی استان‌های محروم امکان تهیه گوشی‌های هوشمند را ندارند تا از این شبکه استفاده کنند. از طرف دیگر معلمان، دانش‌آموزان و والدینی که اکنون از این شبکه استفاده می‌کنند از سختی کار با آن و از مشکلاتش می‌گویند: «اسم برنامه آموزش پرورش رو گذاشتین «شاد»؟ واقعاً؟ پس این همه دانش‌آموز کنکوری که هرسال زیر بار استرس و سرکوفت و صد تا مرض دیگه می‌میرن، خوشحالن؟ خیلی پارادوکس مزخرفیه.»، «هنگام راه‌اندازی شبکه شاد کسی به بچه‌هایی که به اینترنت دسترسی ندارند هم فکر کرده؟

نخبگان تصمیم‌گیری و مدیریت از نگرانی‌ها بابت ترافیک شبکه هم سخن می‌گویند»، «آموزش وپرورش یه appبه‌عنوان شبکه شاد درست کرده ولی باید اسشمو گذاشت غمگین. اون بنده خدایی که پول نداره گوشی بخره با این اوضاع احوال بیکاری باید چه کار کنه؟ خیلی‌ها هستن حتی گوشی ساده هم ندارن. بازم فشار به اقشار پایین جامعه وارد شد اینبارتوسط نهاد فرهنگ ساز جامعه»، «در ایران شبکه درسی به‌نام شاد راه‌اندازی شده که کشور از آن بهره‌مند شد. به جای غرغر در مدارس سعی درتکامل این انقلاب فرهنگی کنیم تاروستاهای دوردست و فرزندان محروممان بتوانند از این مهم به بهترین شکل بهره‌مند گردند.»، «نرم افزار شاد رو چند روزیه برای داداش کوچیکه روی گوشی خودم نصب کردم. گروه‌ها درحال عضوگیری اند، کلاس‌ها داره آروم شکل می‌گیره و آروم از واتس‌اپ دارند جدا میشن. امکان چت بین دانش‌آموزها(پچ‌پچ، تقلب) فراهم نیست، فقط معلم و دانش‌آموز. داداشم بشدت مشتاقه ببینه بهتر از واتس‌اپه یا نه!»، «برای احراز هویت توی نصب شبکه شاد از ده بار بیشتر شد که جمع دوتا عدد رو تو شاد زدم.ولی بازم قبول نمیکنه...چقد دیگه جمع ببندم؟»، «امان از این سامانه شاد. اماااااان»، «از اطلاعاتی که می‌خواد بگذریم...»، «از دور و نزدیک می‌شنوم که این برنامه شاد آموزش پرورش برای برخی مشکلی درست کرده، از مراجعه به کافی‌نت بسته، تا اخذ پول برای نصب تا همخوان نبودن با اندروید قدیمی و آی‌اواس».